

Comparing the role of modesty in the social upbringing of children from the perspective of Quranic verses and Bandura's social learning theory

Zeinab Rahimi¹, Reza Kahsari^{2*}, Nemat Sotoudeh Asl³

1. PhD student in Theology and Quran and Hadith Sciences, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran

2. Assistant Professor of Theology and Philosophy and Theology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran

3. Associate Professor, Research Center for Social Factors Affecting Health, Semnan University of Medical Sciences, Semnan, Iran

Article information

Article type:
Research Paper

KEYWORDS:
Modesty, Social education, child, Quran, Bandura.

Received: 2025/07/16
Accepted: 2025/08/03

***Corresponding author:**
kohsari888@gmail.com

How to cite this paper:
Rahimi Z., Kahsari, R., Sotoudeh Asl, N., (2025). Comparing the role of modesty in the social upbringing of children from the perspective of Quranic verses and Bandura's social learning theory. *Interdisciplinary Studies of the Quran and Theology*. 3(2): 57-72.

ABSTRACT

Modesty, as one of the fundamental moral and social values, has a prominent place in religious teachings. This concept can prevent many undesirable behaviors not only at the individual level but also in the child's social interactions. The purpose of this research is to comparative study the position and role of modesty in the social upbringing of the child from the perspective of the Holy Quran and Bandura's theory. The main question of the research is how modesty plays a role in the social upbringing of the child and the differences and similarities of this role in the verses of the Quran and Bandura's social learning theory. The findings of the study, using a descriptive-analytical method and a comparative approach, show that in the Quran, modesty is an internal, innate, controlling, restraining, and guiding virtue, and is considered a platform for the development of faith, social commitment, and mental health of the child, which leads to social growth through piety, self-control, and knowledge of the divine presence. However, in Bandura's theory, modesty is the product of observing behaviors and their consequences, and is usually learned indirectly through observing behavioral patterns, imitation, and social reinforcement. Thus, although some aspects of Bandura's theory are compatible with religious teachings, Quranic teachings take a deeper and more fundamental look at the role of modesty in the social upbringing of children. Ultimately, this study attempts to explain the similarities and differences in approaches and present new solutions for simultaneously utilizing the capacities of social psychology and religious resources in the social upbringing of children.

DOI: [10.22034/isqt.2025.15310.1039](https://doi.org/10.22034/isqt.2025.15310.1039)

مقایسه نقش حیا در تربیت اجتماعی کودک از منظر آیات قرآن و نظریه یادگیری اجتماعی بندورا

زینب رحیمی^۱، رضا کهساری^{۲*}، نعمت ستوده اصل^۳

۱. دانشجوی دکتری الهیات و علوم قرآن و حدیث، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

۲. استادیار الهیات و فلسفه و کلام، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

۳. دانشیار، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی، سمنان، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی پژوهشی	حیا به عنوان یکی از ارزش‌های بنیادین اخلاقی و اجتماعی در آموزه‌های دینی جایگاه برجسته‌ای دارد. این مفهوم نه تنها در سطح فردی، بلکه در تعاملات اجتماعی کودک نیز می‌تواند مانع بروز بسیاری از رفتارهای ناپسند گردد. هدف از این تحقیق، بررسی تطبیقی جایگاه و نقش حیا در تربیت اجتماعی کودک از منظر قرآن کریم و نظریه بندورا است. پرسش اصلی پژوهش، چگونگی نقش آفرینی حیا در تربیت اجتماعی کودک و تفاوت‌ها و شباهت‌های این نقش در آیات قرآن و نظریه یادگیری اجتماعی بندورا می‌باشد. یافته‌های پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد مقایسه‌ای نشان می‌دهد در قرآن، حیا فضیلتی درونی، فطری، کنترل‌کننده، بازدارنده و هدایت‌گر است و بستری برای رشد ایمان، تعهد اجتماعی و سلامت روان کودک به شمار می‌رود که به رشد اجتماعی از مسیر تقوا، خودکنترلی و معرفت به حضور الهی منجر می‌شود، این در حالی است که در نظریه بندورا، حیا محصول مشاهده رفتارها و پیامدهای آن‌هاست و معمولاً به صورت غیرمستقیم از مسیر مشاهده الگوهای رفتاری، تقلید و تقویت اجتماعی آموخته می‌شود. بدین ترتیب، گرچه برخی ابعاد نظریه بندورا با آموزه‌های دینی قابل تطبیق‌اند، اما آموزه‌های قرآنی عمیق‌تر و بنیادین‌تر به نقش حیا در تربیت اجتماعی کودک می‌نگرد. این پژوهش در نهایت می‌کوشد با تبیین اشتراک‌ها و تفاوت‌های رویکردی، راهکارهای نوینی برای بهره‌گیری همزمان از ظرفیت‌های روان‌شناسی اجتماعی و منابع دینی در تربیت اجتماعی کودک ارائه دهد.
واژگان کلیدی: حیا، تربیت اجتماعی، کودک، قرآن، بندورا.	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۵	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۲	
* پست الکترونیکی نویسنده مسئول: kohsari888@gmail.com	
ارجاع: رحیمی، ز.، کهساری، ر.، ستوده اصل، ن.، ۱۴۰۴، مقایسه نقش حیا در تربیت اجتماعی کودک از منظر آیات قرآن و نظریه یادگیری اجتماعی بندورا، دوفصلنامه بین رشته‌ای قرآن و الهیات، ۳(۲): ۵۷-۷۲.	

DOI: 10.22034/isqt.2025.15310.1039

تربیت اجتماعی کودک از مهمترین دغدغه‌های نظام‌های آموزشی و خانواده هاست. در جهان معاصر، با گسترش آسیب‌های اجتماعی، نیاز به الگوهای تربیتی کارآمد بیش از پیش احساس می‌شود. قرآن کریم با تأکید بر فضایل اخلاقی مانند "حیا"، راهکارهایی برای خودکنترلی و تعاملات سالم اجتماعی ارائه می‌دهد. از سوی دیگر، روانشناسی تربیتی، به ویژه نظریه یادگیری اجتماعی بندورا، بر نقش محیط و مشاهده در شکل‌گیری رفتار تأکید دارد. این پژوهش ضمن تبیین مفهوم حیا و کارکردهای آن در قرآن و نظریه یادگیری اجتماعی بندورا به دنبال پاسخ به این سؤالات است که آیا می‌توان بین مفهوم حیا در قرآن و مکانیسم‌های یادگیری اجتماعی بندورا ارتباطی یافت؟ وجوه اشتراک و افتراق این دو دیدگاه در تربیت اجتماعی کودک چیست؟ چگونه می‌توان از تلفیق این دو رویکرد در برنامه‌های تربیتی استفاده کرد؟ در حوزه تربیت اجتماعی کودک، پژوهش‌های متعددی انجام شده که هر یک از منظر به بررسی ابعاد گوناگون این موضوع پرداخته‌اند. در اینجا به صورت خلاصه به چند مورد اشاره خواهیم کرد. مقاله "نقش آموزه‌های حیا در تربیت دینی" (حسینی و رضایی، ۱۴۰۰) بر تربیت دینی دختران تمرکز داشته و حیا را یکی از ارزش‌های محوری معرفی کرده‌اند. (محمدی، ۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان "تأثیر ارزش‌های دینی بر رشد اخلاقی کودک"، نقش آموزه‌های قرآنی را در ارتقای حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی کودکان بررسی کرده است. مقاله "کاربست نظریه بندورا در تربیت اخلاقی" (صادقی، ۱۳۹۷) به نقش الگوسازی و تقویت در یادگیری اجتماعی پرداخته، اما پیوند مستقیمی با آموزه‌های قرآنی برقرار نکرده است. مطالعات دیگری نیز در این رابطه انجام شده است؛ اما این پژوهش‌ها هر یک به بخشی از موضوع پرداخته‌اند و نقش "حیا" به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اخلاقی تأثیرگذار در تربیت اجتماعی، کمتر به‌صورت تطبیقی و میان‌رشته‌ای بررسی شده است. پژوهش حاضر با تمرکز بر مفهوم "حیا" در آیات قرآن و مقایسه آن با نظریه بندورا، سعی در ارائه الگویی تلفیقی و اسلامی در تربیت اجتماعی کودک دارد. این مقایسه می‌تواند ظرفیت‌های تربیتی آموزه‌های قرآنی را در مواجهه با دیدگاه‌های علمی روز روشن کند. بررسی نظریه بندورا در کنار آموزه‌های قرآنی می‌تواند به طراحی رویکردهای مؤثر آموزشی بر پایه مدل‌سازی رفتاری کمک کند.

۲. پیشینه پژوهش

بررسی جایگاه حیا در تربیت اجتماعی کودک، در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در این زمینه، تحقیقات متعددی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به مفهوم "حیا"، کارکرد تربیتی آن و یا دیدگاه‌های اسلامی و روان‌شناختی درباره آن پرداخته‌اند. با این حال، پژوهش‌های انجام‌شده عمدتاً یکی از دو حوزه دینی یا روان‌شناسی را به‌صورت مستقل بررسی کرده‌اند و مطالعات تطبیقی جامع میان آموزه‌های قرآنی و دیدگاه‌های علمی کمتر صورت گرفته است. در ادامه، به برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط اشاره می‌شود: مقاله "نقش آموزه‌های حیا در تربیت دینی" (حسینی و رضایی، ۱۴۰۰) بر تربیت دینی دختران تمرکز داشته و حیا را یکی از ارزش‌های محوری معرفی کرده‌اند. جعفری و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان "نقش خودنظارتی و هیجانات اخلاقی در نظریه یادگیری اجتماعی بندورا" به بررسی تطبیقی نقش هیجانات بازدارنده مانند شرم، گناه و حیا در

نظریه بندورا پرداختند. کریمی و حسینی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان "نقش حیا در پرورش اجتماعی کودکان از منظر آموزه‌های دینی" با بهره‌گیری از منابع روایی و قرآنی، حیا را عاملی در پیشگیری از هنجارشکنی‌های اجتماعی معرفی کرده‌اند و نشان داده‌اند که تقویت حیا در دوران کودکی، احتمال بروز رفتارهای ضداجتماعی در نوجوانی را کاهش می‌دهد. همچنین پژوهش قره‌داغی و احمدی (۱۳۹۹) با عنوان "تربیت اجتماعی کودک از منظر قرآن و روان‌شناسی رشد" تلاش کرده تا برخی نقاط تلاقی میان مبانی قرآنی و روان‌شناختی در تربیت اجتماعی را تبیین نماید؛ اما در این تحقیق، به صورت مشخص به نقش حیا و تحلیل مقایسه‌ای آن پرداخته نشده است. محمدی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان "تأثیر ارزش‌های دینی بر رشد اخلاقی کودک"، نقش آموزه‌های قرآنی را در ارتقای حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی کودکان بررسی کرده است. سیدعباس حسینی و زهرا حسینی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان "تحلیل مفهوم حیا در قرآن کریم" به بررسی ریشه‌شناسی حیا در آیات قرآن پرداخته‌اند و آن را فضیلتی اخلاقی و زمینه‌ساز رشد اجتماعی معرفی کرده‌اند. مقاله "کاربست نظریه بندورا در تربیت اخلاقی" (صادقی، ۱۳۹۷) به نقش الگوسازی و تقویت در یادگیری اجتماعی پرداخته، اما پیوند مستقیمی با آموزه‌های قرآنی برقرار نکرده است. در همین راستا، هاشمی (۱۳۹۷) نیز در مقاله‌ای با عنوان "تربیت حیا محور در قرآن کریم به بررسی نقش حیا در نظام تربیتی قرآن پرداخته و آن را یکی از ابزارهای مهم در پیشگیری از انحرافات رفتاری کودکان دانسته است. مطالعات دیگری نیز در این رابطه انجام شده است؛ اما این پژوهش‌ها هر یک به بخشی از موضوع پرداخته‌اند و نقش "حیا" به عنوان یکی از مؤلفه‌های اخلاقی تأثیرگذار در تربیت اجتماعی، کمتر به صورت تطبیقی و میان‌رشته‌ای بررسی شده است. پژوهش حاضر با تمرکز بر مفهوم "حیا" در آیات قرآن و مقایسه آن با نظریه بندورا، سعی در ارائه الگویی تلفیقی و اسلامی در تربیت اجتماعی کودک دارد. این مقایسه می‌تواند ظرفیت‌های تربیتی آموزه‌های قرآنی را در مواجهه با دیدگاه‌های علمی روز روشن کند. بررسی نظریه بندورا در کنار آموزه‌های قرآنی می‌تواند به طراحی رویکردهای مؤثر آموزشی بر پایه مدل‌سازی رفتاری کمک کند. بنابراین، پژوهش حاضر از آن جهت بدیع است که با روش تحلیلی-تطبیقی، به طور خاص به بررسی مقایسه‌ای نقش حیا در تربیت اجتماعی کودک از منظر قرآن و نظریه بندورا می‌پردازد و در تلاش است تا هم‌پوشانی‌ها و تمایزات این دو منظومه معرفتی را آشکار سازد.

۳. مبانی نظری و مفهوم شناسی حیا

مفهوم لغوی: واژه حیا از ریشه‌ی «ح ی ی» گرفته شده و به معنای شرم، آزر و خجالت است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۲۴۷/۱۵). این واژه به حالتی اشاره دارد که فرد از انجام کاری که آن را ناپسند می‌داند، خودداری می‌کند. برخی منابع بین حیا و خجل تفاوت قائل شده‌اند. حیا به معنای شرم از انجام کاری ناپسند قبل از وقوع آن است، در حالی که خجل به معنای شرمگین شدن پس از انجام یک عمل است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۰۲/۱۷).

مفهوم اصطلاحی: در اصطلاح، حیا حالتی نفسانی است که فرد را از ارتکاب اعمال زشت باز می‌دارد. این مفهوم در اخلاق اسلامی به عنوان یکی از فضایل مهم شناخته شده و در قرآن و روایات بر اهمیت آن تأکید شده است. در منابع اسلامی، حیا به عنوان نیرویی درونی معرفی می‌شود که فرد را از انجام رفتارهای ناپسند باز می‌دارد (غزالی، ۱۹۸۳م: ۹۸/۴).

حیا در آموزه‌های قرآنی: در قرآن کریم، حیا گاه به عنوان صفت الهی (حیا از ردّ دعای بندگان؛ بقره: ۲۶)، گاه ویژگی اولیای الهی (مریم: ۱۶، قصص: ۲۵) و گاه از صفات پسندیده مؤمنان و عاملی برای خودکنترلی و پرهیز از رفتارهای ناشایست (اعراف: ۲۶، نور: ۳۰) معرفی شده است. مفهوم حیا با مفاهیمی چون عفت، تقوا، خشیت و ادب ارتباط دارد. برخی مفسران چون علامه طباطبایی، حیا را نوعی خودآگاهی اخلاقی در برابر خدا (عبس: ۱۴) مردم (قصص: ۲۵) و خود (قیامه: ۲) می‌دانند که سبب ترک رفتار ناشایست می‌گردد و دارای دو بعد سلبی (بازدارندگی از زشتی‌ها) و ایجابی (گرایش به زیبایی‌های اخلاقی) است (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۶/۲۹۰). در تفسیر نور نیز آمده است حیا، سپری در برابر گناه و کج‌رفتاری است که به فرد امنیت در تعاملات اجتماعی می‌بخشد (قرائی، ۱۳۸۵: ۴۹۵/۷). بنابراین از منظر تربیتی قرآن، حیا نه تنها یک فضیلت فردی و زمینه‌ساز تقوا، پاکدامنی و خویشتنداری است بلکه عاملی برای تنظیم روابط اجتماعی، رعایت حقوق دیگران و حفظ حریم هاست که همه آن‌ها اجزای مهمی در تربیت اجتماعی کودک به شمار می‌روند. این مفهوم در تربیت کودک می‌تواند به عنوان یک مکانیسم درونی برای جلوگیری از رفتارهای ضداجتماعی عمل کند.

حیا در نظریه یادگیری اجتماعی بندورا: بندورا "حیا" را به صورت مستقیم تعریف نکرده است، اما نظریه وی درباره یادگیری اجتماعی از طریق مشاهده، تقلید و تقویت به صورت غیرمستقیم زمینه‌ساز شکل‌گیری رفتارهایی چون رعایت ادب، کنترل هیجانی و پیروی از هنجارهای اجتماعی است. در این نظریه، حیا نوعی بازدارندگی رفتاری است که از طریق مشاهده رفتار دیگران و نتایج آن، در ذهن کودک شکل می‌گیرد. کودک از طریق مشاهده رفتار دیگران، پیامدهای آن رفتار را ارزیابی کرده و رفتارهای مشابه را یاد می‌گیرد. این فرایند با عوامل انگیزشی و شناختی همراه است که به تدریج سازوکارهایی شبیه به حیا، همچون خجالت، خویشتنداری و پابندی به عرف اجتماعی، در کودک شکل می‌گیرد. بنابراین اگرچه در نظریه بندورا، اصطلاح "حیا" به طور مستقیم مطرح نشده است، اما مفاهیمی نظیر "بازدارندگی"، "خودنظارتی" و "تنظیم هیجانی" با کارکردهای حیا در رفتار اجتماعی قابل تطبیق هستند. (Bandura 1977:191-215).

۴. روش پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانهای (آیات قرآن، تفاسیر، کتب روانشناسی) انجام شده است. که با بهره‌گیری از روش مطالعات اسنادی، به تحلیل مفاهیم قرآنی مرتبط با حیا و بررسی تطبیقی آن با نظریه یادگیری اجتماعی بندورا می‌پردازد. منابع اصلی پژوهش شامل آیات قرآن کریم، تفاسیر معتبر (مانند المیزان، نمونه و نور) و آثار روان‌شناسی تربیتی غربی به ویژه آثار بندورا است. تحلیل داده‌ها به صورت کیفی انجام شده و از روش تحلیل محتوای موضوعی برای استنباط راهبردها استفاده شده است.

۵. یافته‌ها

الف) حیا در آموزه‌های قرآنی

۱. اقسام حیا

حیا در قرآن کریم به عنوان یک فضیلت اخلاقی مهم شناخته شده و در ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. لازم به ذکر است که تقسیم‌بندی ارائه‌شده در این پژوهش، بر پایه‌ی زمینه‌های کارکردی و نقش‌های تربیتی آن در زندگی اجتماعی کودک صورت گرفته است. به عبارت دیگر، این تقسیم‌بندی تلاش دارد نشان دهد که حیا چگونه در بسترهای مختلف انسانی و اجتماعی شکل می‌گیرد و ایفای نقش می‌کند. اقسام حیا در آموزه‌های قرآنی را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

حیای فطری

این نوع حیا در ذات انسان قرار دارد و به عنوان یک ویژگی طبیعی، فرد را از انجام اعمال ناپسند بازمی‌دارد. "وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا" (شمس: ۷-۸) این آیه نشان می‌دهد که خداوند در ذات انسان، گرایش به تقوا و دوری از فجور را قرار داده است که یکی از جلوه‌های آن، حیا است.

حیای ایمانی

این نوع حیا از ایمان به خداوند نشأت می‌گیرد و فرد را از ارتکاب گناه بازمی‌دارد. "أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى" (علق: ۱۴) این آیه تأکید می‌کند که آگاهی از نظارت الهی، انسان را از انجام اعمال ناپسند بازمی‌دارد، که خود نوعی حیا محسوب می‌شود.

حیای عقلی

حیایی که ناشی از درک عقلانی فرد نسبت به زشتی اعمال ناپسند است. "وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا" * (اسراء: ۳۶) این آیه تأکید دارد که انسان باید از انجام اعمالی که عقل و دانش او را از آن بازمی‌دارد، اجتناب کند.

حیای اجتماعی

نوعی حیا که در تعاملات اجتماعی بروز می‌کند و فرد را از انجام رفتارهای ناپسند در برابر دیگران بازمی‌دارد. "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ" (احزاب: ۵۳) این آیه به رعایت ادب و احترام در تعاملات اجتماعی اشاره دارد که یکی از جلوه‌های حیا است.

حیای عبادی

شرمی که فرد در برابر خداوند احساس می‌کند و موجب رعایت ادب در عبادات می‌شود. "إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ" (فاطر: ۲۸) این آیه نشان می‌دهد که آگاهی از عظمت خداوند، موجب خشیت و حیا در عبادات می‌شود.

با توجه به آیات شریفه، اقسام حیا در آموزه‌های قرآنی مبتنی بر منشأ، حوزه ظهور و نقش کارکردی آن در تربیت کودک تنظیم شده است. حیا فطری ناظر به گرایش درونی و نهاده شده در سرشت انسان، حیا عقلی مبتنی بر ادراک عقلی و تشخیص نیک و بد، حیا عبادی و ایمانی برآمده از ارتباط با خداوند و تقوا و حیا اجتماعی مرتبط با مناسبات اجتماعی، پوشش، رفتار و کلام در تعامل با دیگران است. این اقسام گرچه در مقام تحلیل تفکیک شده‌اند، اما در واقع یک منظومه پیوسته را تشکیل می‌دهند. مثلاً حیا در برابر خداوند سبب تقویت حیا اجتماعی می‌شود و حیا فطری بستر ظهور حیا در دیگر ساحت‌هاست. این دسته‌بندی‌ها نشان می‌دهد که حیا نه تنها یک ویژگی فردی، بلکه یک اصل اجتماعی و عبادی نیز هست.

۲. حیا و نقش آن در تربیت اجتماعی کودک از منظر آیات قرآن

حیا یکی از فضایل اخلاقی مهم در قرآن است که تأثیر مستقیم بر تربیت اجتماعی کودکان دارد. این مفهوم به کودکان کمک می‌کند تا در تعاملات اجتماعی خود وقار، احترام و خودکنترلی را بیاموزند. آیات قرآنی متعددی وجود دارند که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با مفهوم "حیا" و نقش آن در تربیت اجتماعی مرتبطند. در ادامه به برخی از این آیات اشاره می‌شود.

سوره احزاب، آیه ۵۳: "إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ..." این آیه تأکید دارد که حیا نباید مانع بیان حقایق شود و خداوند در بیان حقیقت ملاحظه‌ای ندارد. در تربیت کودکان، باید به آن‌ها آموزش داده شود که در دفاع از عدالت، حق‌طلبی و بیان احساسات و نظرات خود شجاع باشند. همچنین، حیا باید باعث رعایت احترام در گفتگوها شود، نه سکوت در برابر ظلم یا نادیده گرفتن اشتباهات اجتماعی. برخی مفسران معتقدند که در این آیات، حیا به معنای خودداری از انجام یک فعل است، نه به معنای شرم و خجالت. بنابراین، وقتی گفته می‌شود "خداوند شرم نمی‌کند"، یعنی خداوند از بیان حقیقت و هدایت انسان‌ها منصرف نمی‌شود و هیچ ملاحظه‌ای در این زمینه ندارد "إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةٌ فَمَا فَوْقَهَا..." (بقره: ۲۶) سوره نور، آیات ۳۰ و ۳۱: "قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ" "وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا..." این آیات بر لزوم رعایت حیا و کنترل نگاه و رفتار و رعایت حدود اجتماعی تأکید دارد که نقش مهمی در تربیت کودکان دارد. حیا در گفتار و رفتار موجب حفظ عزت نفس و ایجاد روابط سالم می‌شود. رعایت حدود اجتماعی به کودکان کمک می‌کند تا در جامعه باوقار و محترم رفتار کنند. کودکان باید بیاموزند که حیا به معنای حفظ احترام در روابط اجتماعی و دوری از رفتارهای ناپسند است. این موضوع به ویژه در آموزش رعایت ادب، حفظ حریم شخصی، و احترام به دیگران اهمیت دارد. این آیه نشان‌دهنده پیوند میان حیا و کنترل نگاه و رفتار در محیط اجتماعی است. والدین باید با تشویق رفتارهای صحیح و الگوسازی از شخصیت‌های قرآنی به کودکان کمک کنند تا این ارزش را درونی کنند.

سوره قصص، آیه ۲۵: "فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ..." این آیه به استحياء دختر شعیب اشاره دارد و حضور او همراه با وقار و حیا در اجتماع را توصیف می‌کند. این مفهوم در تربیت اجتماعی کودکان مهم است زیرا به

عنوان الگوی رفتاری به آن‌ها اصول ادب، احترام، و رعایت حد و مرزهای اجتماعی را می‌آموزد. والدین باید به کودکان بیاموزند که در تعاملات خانوادگی و اجتماعی، احترام، ادب و متانت را رعایت کنند. آموزش رفتار اجتماعی به کودک، با مشاهده چنین رفتارهایی ممکن می‌شود. این آموزش‌ها به کودکان کمک می‌کند تا در آینده روابط سالم و محترمانه‌ای با دیگران داشته باشند.

سوره اعراف آیه ۲۶ "يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَتَرْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا ۖ وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ۚ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ۚ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ" این آیه بر دو نوع پوشش تأکید دارد: لباسی که بدن را می‌پوشاند و موجب حفظ حیا و وقار ظاهری می‌شود. لباس تقوا که به عنوان بهترین پوشش معرفی شده و نشان‌دهنده حفظ ارزش‌های اخلاقی و رفتاری است. در تربیت اجتماعی کودکان، این آیه می‌تواند به عنوان مبنایی برای آموزش حیا و رعایت اصول اخلاقی مورد استفاده قرار گیرد. والدین و مربیان باید به کودکان بیاموزند که حیا فقط به پوشش ظاهری محدود نمی‌شود، بلکه شامل رفتار، گفتار و تعاملات اجتماعی نیز هست.

سوره احزاب آیه ۳۲ "فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ..." آیه‌ای که توصیه به صحبت از پشت پرده می‌کند، بیانگر ظرافت‌های اخلاقی برای حفظ حیا و حریم است.

سوره لقمان، آیات ۱۳ تا ۱۹ مجموعه‌ای از آیات که نصیحت‌های لقمان به فرزندش را نقل می‌کند، از جمله: "وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا..." در این آیات، مجموعه‌ای از توصیه‌های اجتماعی از جمله فروتنی، فرو بردن صدا، راه رفتن متین، و برخورد محترمانه با دیگران آمده است. این‌ها نشانه‌های بیرونی حیا در رفتار اجتماعی‌اند که باید از کودکی آموزش داده شوند.

سوره نساء، آیه ۵۸ "إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا..." آموزش امانت‌داری و رعایت حقوق اجتماعی نیز جلوه‌ای از حیا اجتماعی است که به کودک می‌آموزد چگونه در جامعه صادق، مؤدب و مسئول باشد.

حیا در قرآن به عنوان یک فضیلت اخلاقی و رفتاری معرفی شده که در ارتباط با خداوند، رفتار اجتماعی، و روابط خانوادگی نقش مهمی دارد. این مفهوم نه تنها به خودداری از اعمال ناپسند اشاره دارد، بلکه نشان‌دهنده وقار، متانت و احترام در تعاملات انسانی است. آیات قرآن نشان می‌دهند که حیا در تربیت اجتماعی کودکان نقش اساسی دارد. آموزش این فضیلت به کودکان می‌تواند آن‌ها را برای رعایت ارزش‌های اخلاقی، حفظ وقار و احترام، و تعامل صحیح با جامعه آماده کند.

ب) حیا در نظریه یادگیری اجتماعی بندورا

۱. اقسام حیا

آلبرت بندورا، روان‌شناس برجسته، نظریه یادگیری اجتماعی را مطرح کرد که بر نقش مشاهده، تقلید و مدل‌سازی در شکل‌گیری رفتار تأکید دارد. در این چارچوب، حیا را می‌توان به عنوان یک رفتار اجتماعی آموخته‌شده در نظر گرفت که تحت تأثیر محیط، تعاملات اجتماعی و فرآیندهای شناختی فرد قرار دارد.

اقسام حیا در دیدگاه بندورا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

حیای مشاهده‌ای

افراد از طریق مشاهده رفتار دیگران، معیارهای اخلاقی و اجتماعی را یاد می‌گیرند. اگر فردی در محیطی رشد کند که حیا ارزشمند تلقی شود، احتمالاً این ویژگی را درونی خواهد کرد.

حیای تقویت‌شده

بندورا تأکید دارد که رفتارها از طریق پاداش و تنبیه تقویت می‌شوند. اگر فردی به دلیل رفتار باحیا مورد تحسین قرار گیرد، این رفتار در او تثبیت می‌شود.

حیای شناختی

بر اساس نظریه بندورا، افراد از طریق پردازش شناختی، رفتارهای خود را تنظیم می‌کنند. حیا می‌تواند نتیجه‌ی ارزیابی فرد از پیامدهای اجتماعی و اخلاقی رفتارهایش باشد.

حیای خودتنظیمی

بندورا معتقد است که افراد می‌توانند خودشان را بر اساس معیارهای درونی تنظیم کنند. فردی که حیا را ارزشمند می‌داند، حتی بدون نظارت دیگران، رفتار خود را کنترل خواهد کرد.

بنابراین در نظریه یادگیری اجتماعی بندورا، اقسام چهارگانه حیا بر اساس سازوکار یادگیری رفتاری و شناختی شکل گرفته‌اند. حیای مشاهده‌ای ناشی از دیدن رفتار دیگران، حیای تقویتی حاصل پاداش یا تنبیه اجتماع، حیای شناختی برآمده از ادراک پیامد رفتارها و حیای خودتنظیمی نتیجه درونی‌سازی ارزش‌ها و خودکنترلی می‌باشد.

در اینجا نیز اقسام در تعامل با یکدیگرند. مثلاً مشاهده رفتار مودبانه والدین می‌تواند حیا را شکل دهد، سپس با تقویت‌های اجتماعی تثبیت شده و به مرحله خودتنظیمی درونی برسد.

۲. حیا و نقش آن در تربیت اجتماعی کودک از دیدگاه بندورا

آلبرت بندورا در نظریه یادگیری اجتماعی خود بیان می‌کند که رفتارها از طریق مشاهده، تقلید و مدل‌سازی آموخته می‌شوند (Bandura, 1986:47-82). حیا نیز می‌تواند از این طریق در کودکان نهادینه شود. عناصر کلیدی نظریه بندورا عبارتند از:

یادگیری مشاهده‌ای و الگوسازی: در نظریه شناختی- اجتماعی بندورا، یادگیری مشاهده‌ای و الگوسازی اصلی‌ترین مکانیسم‌های انتقال رفتار از محیط به فرد هستند. بندورا چهار مرحله را برای یادگیری از طریق مشاهده تعریف می‌کند: ۱- توجه: کودک باید رفتار مدل را مشاهده کند. ۲- نگهداری: کودک باید بتواند آن رفتار را در ذهن خود نگه دارد. ۳- تولید مجدد: کودک تلاش می‌کند رفتار مشاهده‌شده را اجرا کند. ۴- انگیزش: اگر مشاهده کند مدل برای آن رفتار پاداش می‌گیرد (یا خود سود می‌برد)، انگیزه بیشتری برای تکرار خواهد داشت (Bandura, 1986:169_195). بندورا تأکید می‌کند که کیفیت و اقتدار مدل (والدین، معلم، همسالان یا شخصیت‌های رسانه‌ای) در اثربخشی الگوسازی بسیار مهم است. مدل‌های موفق و مورد احترام، بیش از سایرین قدرت نفوذ در کودک دارند (Bandura, 1977:35_40). حیا یا عفت اجتماعی به عنوان رفتار اجتماعی مشاهده‌پذیر در کودکان از طریق مشاهده مدل‌های مودب و باحیا در محیط خانواده و مدرسه شکل می‌گیرد. در

محیط مدرسه، معلمان و همسالان به عنوان مدل‌های ثانویه عمل می‌کنند. الگوسازی همسالان موفق در رعایت ادب و حیا، انگیزش قوی برای کودک فراهم می‌آورد تا در تعاملات اجتماعی خود نیز همین رفتارها را بروز دهد. وقتی کودک می‌بیند پدر و مادر یا معلم برای رعایت پوشش مناسب، کنترل نگاه یا ادب در سخن گفتن مورد تحسین قرار می‌گیرند، این رفتارها در حافظه او نگهداری شده و تمایل پیدا می‌کند آن‌ها را تقلید کند (Bandura, 1986:180_190).

تقویت اجتماعی: در نظریه یادگیری اجتماعی بندورا تقویت اجتماعی یکی از مفاهیم کلیدی است که در ساختار اصلی نظریه او قرار دارد. تقویت اجتماعی به این معناست که رفتار فرد از طریق پاداش‌ها یا تنبیه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. تقویت اجتماعی به پاداش‌هایی گفته می‌شود که از سوی دیگران (جامعه، خانواده، معلم، دوستان و...) به فرد داده می‌شود تا او را به تکرار رفتار خاصی ترغیب کند. این پاداش‌ها می‌توانند مادی نباشند و بیشتر جنبه عاطفی یا رفتاری داشته باشند. انواع تقویت اجتماعی: ۱. تقویت مثبت اجتماعی: مانند تحسین، لبخند، تشویق کلامی، توجه، آفرین گفتن، یا پذیرش از سوی دیگران ۲. تقویت منفی اجتماعی: مانند اجتناب از سرزنش یا طرد شدن. در نظریه بندورا، افراد نه تنها از طریق تجربه مستقیم، بلکه از طریق مشاهده رفتار دیگران و پیامدهای آن یاد می‌گیرند. اگر مشاهده کنند که یک فرد دیگر به دلیل رفتاری خاص مورد تقویت اجتماعی مثبت قرار گرفته، احتمال دارد آن رفتار را خودشان هم تکرار کنند. بندورا معتقد بود افراد با رشد شناختی، کم‌کم تقویت اجتماعی را درونی می‌کنند و به سمت تقویت درون‌فردی می‌روند؛ یعنی خودشان را به خاطر رفتارهای مثبت تحسین می‌کنند یا سرزنش می‌کنند. این آغاز خودتنظیمی است. در نظریه بندورا، تقویت اجتماعی ابزاری نیرومند برای شکل‌گیری و تداوم رفتارهای اجتماعی مطلوب است. این نوع تقویت در فرایند یادگیری مشاهده‌ای، نقش مهمی در آموزش رفتارهای اجتماعی، اخلاقی، و حتی مهارت‌های فرهنگی دارد. حیا به عنوان یک رفتار اجتماعی بازدارنده، تحت تأثیر محیط اجتماعی، بازخوردهای اطرافیان و مشاهده مدل‌های رفتاری درونی می‌شود. زمانی که رفتارهای مبتنی بر حیا، مانند پوشیدگی، ادب، خویشنداری و احترام به دیگران، توسط والدین، معلمان و همسالان مورد تشویق اجتماعی قرار گیرد (لبخند، تحسین، پذیرش در گروه)، این رفتارها در کودک تقویت می‌شوند و احتمال تکرار آن‌ها افزایش می‌یابد (Bandura, 1977:97_117). همچنین، مشاهده کودک از الگوهایی که در موقعیت‌های مختلف رفتارهای همراه با حیا دارند و به خاطر آن مورد احترام واقع می‌شوند، منجر به یادگیری مشاهده‌ای حیا به عنوان یک فضیلت اجتماعی می‌شود. به طور خاص، بندورا تأکید دارد که کودکان با مشاهده پاداش‌های اجتماعی که دیگران برای رفتارهای خاص می‌گیرند، یاد می‌گیرند که کدام رفتارها ارزشمندند (Bandura, 1986:228-265). در این چارچوب، حیا نه صرفاً یک حالت درونی، بلکه یک رفتار اجتماعی یادگرفتنی و قابل تقویت است که در بستر محیط اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد. از این منظر، تربیت اجتماعی کودک از طریق تکرار و تقویت رفتارهای همراه با حیا، هم در سطح فردی و هم در سطح تعاملات اجتماعی نهادینه می‌شود. به عبارت دیگر، جامعه با فراهم آوردن بازخوردهای مثبت برای رفتارهای مؤدبانه، عقیفانه و محترمانه، به تدریج زمینه‌ساز نهادینه شدن حیا به عنوان بخشی از هویت اجتماعی کودک می‌شود. مطابق نظریه

بندورا، حیا رفتاری است که با مشاهده و تقویت اجتماعی فراگرفته می‌شود و از طریق تشویق‌های اجتماعی تثبیت می‌گردد (Bandura, 1986:228-265).

خودکارآمدی: خودکارآمدی مفهومی کلیدی در نظریه یادگیری اجتماعی بندورا است که به باور فرد نسبت به توانایی‌اش برای انجام موفقیت‌آمیز یک کار خاص اشاره دارد. بندورا می‌گوید: "میزان باور افراد به شایستگی‌شان بر چگونگی تفکر، احساس، انگیزش و رفتار آن‌ها اثر می‌گذارد" (Bandura, 1997:191).

منابع چهارگانه شکل‌گیری خودکارآمدی نظریه بندورا عبارتند از: ۱- تجربه عملکردی: موفقیت‌های گذشته اعتماد به نفس ایجاد می‌کند. ۲- یادگیری مشاهده‌ای: دیدن موفقیت دیگران، به‌ویژه کسانی که فرد آن‌ها را شبیه به خود می‌داند. ۳- ترغیب اجتماعی: تشویق و بازخورد مثبت از سوی دیگران (مثل والد، مربی). ۴- حالات هیجانی و فیزیولوژیکی: کاهش اضطراب و حفظ آرامش در شرایط چالش‌برانگیز. (Bandura, 1997:194) کودک‌کی که احساس خودکارآمدی دارد در موقعیت‌های اجتماعی با اعتماد ظاهر می‌شود. در برابر فشار همسالان مقاومت می‌کند. توانایی تنظیم هیجان و کنترل تکانه‌ها را دارد. تعامل مؤثر و مسئولانه‌ای با دیگران برقرار می‌کند.

بنابراین در نظریه بندورا الگو نقش بنیادین دارد. ارزش‌هایی چون حیا صرفاً به عنوان یک پیامد مشاهده و تقلید رفتاری تعریف می‌شوند. حیا نتیجه یادگیری مشاهده‌ای، تقویت بیرونی و درونی، و انتظارات اجتماعی است (Bandura, 1986:47,228,306,390) والدین از طریق نقش الگویی، تقویت و تنبیه، و ساخت محیط مناسب یادگیری مشاهده‌ای، در شکل‌گیری حیا مؤثرند (Bandura, 1977:36). محیط اجتماعی، رسانه‌ها و گروه همسالان از منابع کلیدی یادگیری حیا هستند؛ کودکان از طریق مشاهده واکنش‌های دیگران نسبت به رفتارها، هنجارهای حیا را می‌آموزند (Bandura, 2001:266_290).

تقسیم‌بندی‌های ارائه‌شده، صرفاً فهرست اقسام مجزا نیست، بلکه بر پایه‌ی تحلیل کارکردی و تربیتی حیا در دو منظومه قرآنی و روان‌شناختی طراحی شده‌اند که در آن‌ها رابطه طولی و عرضی بین اقسام لحاظ شده و در ارتباطی زنجیره‌ای و هم‌افزا، به‌صورت مرحله‌ای یا لایه‌ای یکدیگر را تقویت می‌کنند و رشد فضیلت حیا در کودک را ممکن می‌سازند.

ج) مقایسه تطبیقی

در ادامه به مقایسه تطبیقی دیدگاه قرآن کریم و نظریه یادگیری اجتماعی بندورا درباره نقش حیا در تربیت اجتماعی کودک پرداخته می‌شود تا نقاط اشتراک و افتراق این رویکرد روشن گردد. نقاط اشتراک

هر دو دیدگاه بر اهمیت الگوهای رفتاری مثبت و عوامل محیطی و اجتماعی در شکل‌دهی رفتارهای فردی و رشد رفتارهای اجتماعی کودک از جمله حیا تأکید دارند. در نظریه بندورا، الگوها و تقویت‌ها بر یادگیری نقش دارند. کودکان از طریق مشاهده رفتار والدین، معلمان و افراد باوقار در جامعه، یاد می‌گیرند که چگونه حیا را در رفتارهای خود رعایت کنند (Bandura, 1977:97_117). در قرآن نیز، الگوهای دینی همچون پیامبران، والدین و مؤمنان تأثیرگذارند. برای مثال، قرآن کریم درباره دختر شعیب می‌فرماید: فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ

(قصص: ۲۵) که حاکی از تأثیر الگوهای مؤمن در نهادینه‌سازی حیاست. این مفهوم در سوره احزاب آیه ۲۱ نیز آمده است: "لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ..." این آیه نشان می‌دهد که پیامبر اکرم (ص) به عنوان یک الگوی رفتاری برای مؤمنان معرفی شده است، که دقیقاً با مفهوم یادگیری مشاهده‌ای بندورا مطابقت دارد. در قرآن، پیامبران و اولیای الهی نقش الگو دارند؛ در بندورا، والدین، معلمان و رسانه‌ها. بر اساس این نظریه، یادگیری تنها به تجربه‌های مستقیم محدود نمی‌شود، بلکه افراد از طریق مشاهده رفتار دیگران، پردازش شناختی، و انگیزش اجتماعی قادر به فراگیری مهارت‌ها و الگوهای رفتاری جدید هستند.

یکی از عناصر کلیدی نظریه بندورا تقویت مثبت و اجتماعی است. بندورا معتقد است که رفتارهایی که با واکنش‌های مثبت اجتماعی (تشویق، پذیرش، تحسین) روبرو می‌شوند، بیشتر در کودک تثبیت می‌شوند. رفتارهایی که با پاداش همراه باشند، تقویت شده و احتمال تکرار آن‌ها افزایش می‌یابد. اگر رفتارهای مبتنی بر حیا مانند پوشش مناسب، ادب، یا اجتناب از رفتارهای ناپسند از سوی والدین یا جامعه تحسین شود، این رفتار در کودک تقویت و درونی می‌شود و احتمال تثبیت آن‌ها در فرد افزایش می‌یابد. بندورا همچنین می‌گوید که بازخوردهای منفی اجتماعی (مانند سرزنش یا طرد) موجب کاهش احتمال تکرار رفتارهای نامناسب می‌شود (Bandura, 1986:320). در تربیت اسلامی نیز بر پاداش‌های معنوی، تشویق گفتاری و حتی پاداش‌های مادی برای تقویت رفتار مطلوب مانند حیا تأکید شده است. قرآن نیز بر تشویق رفتارهای اخلاقی و تربیتی تأکید دارد، چنان‌که در سوره نور، آیه ۳۱ آمده است: "وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ..." این آیه نشان‌دهنده اهمیت رعایت حیا و کنترل رفتارهای اجتماعی است، که می‌تواند از طریق تقویت اجتماعی و الگوسازی در کودکان نهادینه شود. همچنین اگر کودکی در نتیجه بی‌حیایی با واکنش‌های منفی اجتماعی مواجه شود، یاد می‌گیرد از آن رفتار اجتناب کند. این روند، به مرور زمان منجر به درونی شدن رفتارهای باحیایی می‌شود. بندورا تأکید دارد که باور فرد به توانایی خود در تنظیم رفتارهایش نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت دارد. کودکان باید بیاموزند که حیا به عنوان یک رفتار خودتنظیمی به افزایش احترام و اعتماد به نفس کمک می‌کند (Bandura, 1997:200). قرآن نیز بر خودکنترلی و رعایت اصول اخلاقی تأکید دارد، چنان‌که در سوره لقمان، آیه ۱۹ آمده است: "وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْصِضْ مِنْ صَوْتِكَ..." این آیه نشان‌دهنده لزوم رعایت اعتدال در رفتار و گفتار است، که می‌تواند در قالب خودکارآمدی و تنظیم رفتارهای اجتماعی در کودکان آموزش داده شود. جهت تبیین بهتر نقاط اشتراک دو رویکرد، جدول شماره ۱ به مقایسه شباهت‌های کلیدی میان آموزه‌های قرآنی و نظریه بندورا و نظریه بندورا در حوزه تربیت اجتماعی کودک مبتنی بر حیا اختصاص یافته است.

جدول ۱: مقایسه شباهت‌های کلیدی میان آموزه‌های قرآنی و نظریه بندورا

محور اشتراک	دیدگاه قرآن	دیدگاه بندورا
نقش الگوهای رفتاری	پیامبران، اولیای الهی به عنوان الگو	والدین، معلمان، رسانه‌ها
یادگیری تدریجی رفتار	تقوا و تمرین اخلاقی تدریجی	مشاهده و الگوسازی گام به گام
تقویت رفتار اخلاقی	پاداش معنوی، تشویق الهی	تقویت مثبت/منفی اجتماعی
درونی‌سازی ارزش‌ها	ترکیه، معرفت، نفس لوّامه	خودتنظیمی، خودکارآمدی

تفاوت‌ها

با وجود کارآمدی نظریه یادگیری اجتماعی بندورا در تبیین نحوه تأثیر محیط و الگوها بر یادگیری کودک، این دیدگاه دارای کاستی‌هایی است که در مقایسه با آموزه‌های قرآنی قابل توجه‌اند:

سطحی بودن تحلیل اخلاقی

منظور از سطحی بودن تحلیل اخلاقی در این زمینه این است که بندورا در نظریه یادگیری اجتماعی‌اش، اخلاق را بیشتر به عنوان رفتار اجتماعی مطلوب و مورد قبول جامعه تحلیل می‌کند، نه به عنوان یک امر درونی، فطری، و مرتبط با ارتباط انسان با خداوند که دارای ارزش ذاتی و غایت‌مند باشد. در نظریه بندورا، ارزش‌هایی چون حیا صرفاً به عنوان یک پیامد مشاهده و تقلید رفتاری تعریف می‌شوند، نه به عنوان یک فضیلت درونی مبتنی بر معرفت و ایمان. در حالی که قرآن حیا را در پیوند با تقوا، معرفت به حضور خداوند، و خودکنترلی درونی می‌بیند. قرآن کریم حیا را یک ویژگی درونی و وابسته به ایمان معرفی می‌کند که اساس سلامت رفتار اجتماعی است. بندورا رفتارهای مشابه حیا را محصول فرایندهای مشاهده‌ای و یادگیری از محیط می‌داند.

غفلت از فطرت

قرآن، انسان را دارای فطرتی الهی می‌داند که گرایش به حیا و شرم یکی از لوازم آن است (روم: ۳۰). اما در نظریه بندورا، حیا صرفاً رفتاری آموخته‌شده از محیط است و به ساختار درونی یا فطری انسان توجهی ندارد. در قرآن، حیا ریشه در فطرت، هدایت الهی و تقوا دارد؛ در بندورا، حیا نتیجه فرایند یادگیری از محیط و رفتار دیگران است.

تمرکز بر تقویت بیرونی

ابزار روش انتقال حیا در قرآن، آموزش مستقیم، تذکر، تقویت درونی و مراقبت الهی است؛ در نظریه بندورا، مشاهده و تقویت بیرونی نقش اصلی دارد.

جدول ۲: تبیین تفاوت‌های اساسی در ابعاد مفهومی و کارکردی حیا در قرآن و نظریه بندورا

محور تفاوت‌ها	دیدگاه قرآن	دیدگاه بندورا
منشأ حیا	فطری، الهی، درک درونی مبتنی بر تقوا	اکتسابی، بر اساس مشاهده، تقلید و تقویت
عامل شکل‌دهنده	معرفت به خدا، ایمان، الگوهای دینی	الگوهای رفتاری و پیامدهای آن‌ها
مسیر تحقق	درون‌زا، از طریق تربیت دینی	برون‌زا، با مشاهده محیط اجتماعی
نقش خانواده	مسئول نهادینه سازی حیا با آموزش	یکی از منابع تقویت و الگو
منبع کنترل رفتار	حیا به عنوان عامل درونی (تقوایی)	تقلید و تقویت بیرونی (محیط اجتماعی)
مکانیسم تأثیر	تأکید بر خودمراقبتی و خداوند	مشاهده و پاداش/تنبیه اجتماعی
ماهیت حیا	فضیلت درونی وابسته به تقوا و ایمان	رفتار آموخته‌شده در واکنش به جامعه
ابزار انتقال حیا	وحی، ارشاد انبیاء، تعلیم والدین	مشاهده، الگوسازی، تقویت
غایت حیا	تزکیه، تقوا، قرب الهی، تعالی اخلاقی	پذیرش اجتماعی، کارکردگرایی رفتاری

نظریه بندورا بیش از آن که بر تحول درونی تأکید کند، بر عوامل بیرونی مانند تشویق و تنبیه تکیه دارد، در حالی که قرآن سعی دارد ارزش‌ها را در وجود فرد نهادینه و ماندگار کند، نه اینکه صرفاً رفتارهای لحظه‌ای تولید کند. با این حال بندورا معتقد است که فرآیند یادگیری اجتماعی به شرایط محیطی، تقویت رفتاری، و خودکارآمدی فرد بستگی دارد (Bandura, 1997:97_117)، در حالی که در قرآن، یادگیری و هدایت انسان‌ها علاوه بر شرایط محیطی، شامل هدایت الهی و تعالیم معنوی نیز هست "ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ" (بقره: ۲). قرآن حیا را با مبانی الهی و اخروی توجیه می‌کند، در حالی که بندورا بر مبانی تجربی و دنیوی تکیه دارد. به‌منظور تفکیک دقیق‌تر میان دو رویکرد، جدول شماره ۲ به تبیین تفاوت‌های اساسی در ابعاد مفهومی و کارکردی حیا در قرآن و نظریه بندورا می‌پردازد.

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با مقایسه دیدگاه قرآن کریم و نظریه بندورا درباره نقش حیا در تربیت اجتماعی کودک نشان داد که رویکرد اسلامی مبتنی بر قرآن، به حیا به عنوان فضیلتی درونی، فطری و پیوسته با ایمان می‌نگرد. در این دیدگاه، حیا به عنوان یک نیروی درونی در جهت بازدارندگی از رفتارهای ناهنجار و نیز محرک به رفتارهای ارزشی نقش آفرینی می‌کند.

در مقابل، در نظریه یادگیری اجتماعی بندورا، درونی‌سازی مفاهیمی مانند حیا از طریق فرایندهای مشاهده‌ای، خودنظارتی و خودتنبیهی صورت می‌پذیرد. هرچند واژه «حیا» به صورت مستقیم در آثار او مطرح نشده است، اما بر اساس نظریه وی، کودک با مشاهده الگوهای رفتاری والدین، معلمان و همسالان، رفتارهای مورد تأیید یا نکوهش جامعه را درونی می‌کند. بندورا بیان می‌دارد که افراد پس از یادگیری معیارهای رفتاری، از طریق نظام‌های خودتنظیمی همچون احساس شرم یا گناه در برابر نقض این معیارها، خود را کنترل می‌کنند (Bandura, 1986:225). در نظریه بندورا، حیا نیز به نوعی بازتاب خودنظارتی و تنظیم هیجانی است؛ زیرا فرد از اینکه ارزیابی منفی از سوی دیگران یا خود دریافت کند، دچار شرم و خجالت می‌شود. این هیجان، به عنوان نیروی بازدارنده برای رفتارهای نادرست عمل می‌کند. بنابراین، حیا را می‌توان در چارچوب بندورا به مثابه نوعی بازدارنده درونی‌شده دانست که در نتیجه تعامل اجتماعی، یادگیری مشاهده‌ای و خودتنظیمی در کودک پدید می‌آید.

بندورا به صورت مستقیم درباره حیا و تقویت اجتماعی سخن نمی‌گوید، اما ارتباط میان تقویت اجتماعی و درونی‌سازی رفتارهای بازدارنده مانند حیا را می‌توان به وضوح در نظریه او استنباط کرد. در نظریه یادگیری اجتماعی بندورا، تقویت اجتماعی نقش کلیدی در شکل‌گیری رفتارهای اخلاقی و کنترلی مانند حیا دارد.

بندورا با تأکید بر الگوسازی و تقویت بیرونی، به حیا به صورت غیرمستقیم و در سطحی رفتاری می‌پردازد. هرچند آموزه‌های بندورا در بخش‌هایی مانند مشاهده، تقلید و نقش الگوها با آموزه‌های قرآنی همپوشانی دارند، اما از منظر اسلامی، تربیت اجتماعی زمانی اثربخش خواهد بود که در کنار عوامل محیطی، به درونی‌سازی، معرفت الهی و فطرت کودک نیز توجه شود.

مطالعه این دو دیدگاه نشان می‌دهد که حیا یک ارزش اخلاقی جهانی است که هم از طریق مشاهده و یادگیری اجتماعی و هم از طریق آموزش‌های دینی و تربیتی شکل می‌گیرد. تلفیق این دو رویکرد می‌تواند به تربیت اجتماعی کودکان و نهادینه کردن رفتارهای اخلاقی در جامعه کمک کند. هر دو دیدگاه بر نقش محوری یادگیری اجتماعی در تربیت کودک تأکید دارند. قرآن با تکیه بر حیا به عنوان یک مکانیسم درونی، و بندورا با تأکید بر محیط و تقویت، هر دو به دنبال شکل دهی رفتارهای مطلوب هستند اما مقایسه دو دیدگاه نشان می‌دهد که آموزه‌های قرآنی درباره حیا، نگاه عمیق‌تری به منشأ، هدف و کارکرد حیا در تربیت اجتماعی دارند. اگرچه نظریه بندورا می‌تواند برخی جنبه‌های اجتماعی‌سازی را تبیین کند، اما بدون در نظر گرفتن مبانی معنوی و فطری انسان، تبیین کاملی از نقش حیا در تربیت اجتماعی کودک ارائه نمی‌دهد. بنابراین، بهره‌گیری از ظرفیت‌های نظریه‌های علمی در پرتو هدایت و حیانی قرآن، می‌تواند در طراحی الگوی بومی اسلامی تربیت اجتماعی کودک مؤثر واقع شود.

۶. پیشنهادات:

- مقایسه تطبیقی با دیگر نظریه‌های روانشناسی مانند نظریه رشد اخلاقی کولبرگ.
- بررسی تأثیر رسانه‌های دیجیتال بر مفهوم‌پذیری حیا در کودکان.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، دارصادر.
۳. جعفری، مهدی؛ محمدی، مریم؛ و سلیمانی، نرجس، (۱۴۰۰)، نقش خودنظارتی و هیجانات اخلاقی در نظریه یادگیری اجتماعی بندورا، فصلنامه روان‌شناسی تحولی، ۱۷(۱)، ۷۷-۹۵.
۴. حسینی، عباس و حسینی، زهرا، (۱۳۹۸)، تحلیل مفهوم حیا در قرآن کریم، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ۲۵(۹۸)، ۳۳-۵۶.
۵. حسینی، فاطمه و رضایی، نرگس، (۱۴۰۰)، "نقش آموزه‌های حیا در تربیت دینی دختران" مجله مطالعات اسلامی زن و خانواده، ۸(۴)، ۸۹-۱۰۸.
۶. صادقی، رضا، (۱۳۹۷)، "کاربست نظریه بندورا در تربیت اخلاقی" فصلنامه روان‌شناسی تربیتی ایران، ۱۴(۳۴)، ۱۲۱-۱۴۰.
۷. طباطبائی، سید محمدحسین، (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۸. غزالی، محمد بن محمد، (۱۹۸۳م)، احیاء علوم الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۹. قرائتی، محسن، (۱۳۸۵)، تفسیر نور، قم، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۰. قره‌داغی، فاطمه و احمدی، معصومه، (۱۳۹۹)، تربیت اجتماعی کودک از منظر قرآن و روان‌شناسی رشد، فصلنامه مطالعات اسلامی و روان‌شناسی، ۴(۲)، ۴۵-۷۰.

۱۱. محمدی، زهرا، (۱۳۹۸)، "تأثیر ارزش‌های دینی بر رشد اخلاقی کودک" فصلنامه پژوهش‌های تربیتی اسلامی، ۱۲(۲)، ۵۱-۷۰.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۳. هاشمی، نسرين، (۱۳۹۷)، تربیت حیا محور در قرآن کریم، فصلنامه مطالعات تربیتی قرآن و حدیث، ۶(۲)، ۹۱-۱۱۵.
14. Bandura, A. (1977). Social Learning Theory. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
15. Bandura, A. (1986). Social Foundations of Thought and Action: A Social Cognitive Theory. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
16. Bandura, A. (1997). Self-efficacy: The Exercise of Control. New York: W.H. Freeman.
17. Bandura, A. (2001). Social Cognitive Theory: An Agentic Perspective. Annual Review of Psychology, 52(1), 1-26 <https://doi.org/10.1146/annurev.psych.52.1.1>.
18. Ormrod, J. E. (2016). Educational Psychology: Developing Learners (9th ed.). Boston: Pearson.
19. Schunk, D. H. (2012). Learning Theories: An Educational Perspective (6th ed.). Boston: Pearson.
20. Slavin, R. E. (2020). Educational Psychology: Theory and Practice (13th ed.). Boston: Pearson.
21. Kohlberg, L. (1981). The Philosophy of Moral Development: Moral Stages and the Idea of Justice. San Francisco: Harper & Row.